

● هیاهوی رسانه ای و تبلیغاتی
مدعیان حقوق بشر برای تروریسم شوئی



معاونت امور بین الملل قوه قضائیه و ستاد حقوق بشر
جمهوری اسلامی ایران

اسفندماه ۱۴۰۱



هیاهوی رسانه ای و تبلیغاتی مدعیان حقوق بشر برای

تروریسم شوئی

روشنگری پیرامون پرونده جمشید شارمهد، سرکرده

گروهک تروریستی تندر

اسفند ماه ۱۴۰۱

معاونت امور بین الملل قوه قضائیه و ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

◀ جمشید شارمهد، سرکرده گروهک تروریستی تندر که چندین عملیات تروریستی را در ایران اجراء و ۲۷ عملیات تروریستی را نیز طراحی کرده است و از این طریق تعدادی از افراد بی‌گناه از جمله زنان و کودکان ایرانی را قربانی کرده است، پس از طی یک فرایند دادرسی عادلانه و دقیق، برابر قانون به مجازات مربوطه یعنی اعدام محکوم شد. حکم وی بدوی است و قابل فرجام خواهی نزد دیوانعالی کشور می باشد. با صدور این حکم برای یک تروریست، مدعیان حقوق بشر مطابق رویه معمول به هیاهوی رسانه ای دست زدند تا جای مجرم را با قربانی عوض کنند و کارزار حقوق بشری جدیدی را علیه ج.ا. ایران به راه بیندازند. در این نمایش رسانه ای، دولت آلمان بیش و پیش از سایر کشورهای اروپا نقش ایفاء نموده است. این کشور با استناد به تابعیت مضاعف آلمانی شارمهد (جمهوری اسلامی ایران تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی شناسد)، به رای دادگاه صالح و قانونی تاخته و خواهان لغو مجازات وی شده است. وزیر خارجه این کشور کاردار ایران را احضار نموده و در یک اقدام کاملاً سیاسی و در نقض آشکار قوانین و مقررات دیپلماتیک، دو نفر از دیپلمات‌های سفارت ایران در برلین را عناصر نامطلوب خوانده و از آنها خواسته خاک این کشور را ترک کنند. پرسشی که اذهان و افکار عمومی را به خود مشغول می کند، این است که حمایت آلمان و برخی کشورهای مدعی از یک مجرم تروریستی که جرائمش در یک دادگاه صالح اثبات شده، چه معنایی دارد؟ آیا این برخلاف تمامی آرمان‌های بین‌المللی در ضرورت بسیج همگانی کشورها برای مبارزه با پدیده شوم تروریسم نیست؟ آیا نامی جز قربانی کردن حقوق بشر در پای امیال و اهداف سیاسی می توان بر این اقدام نهاد؟ آیا نهادها و مکانیزم‌های بین‌المللی حقوق بشری مسئولیت ایستادگی در مقابل این رویه خطرناک را ندارند؟ آیا پروژه تروریسم شویی دولت‌های مدعی با این دلیل غیر موجه که مجرم تروریست تابعیت مضاعف این کشورها را دارد، در تضاد با آرمان‌های حقوق بشری از جمله ضرورت تضمین حق حیات و کرامت انسان‌ها، برابری انسان‌ها در پیشگاه قانون، ضرورت مبارزه با تروریسم و ... قرار ندارد؟ آیا وظیفه دولت‌های مستقل جز این است که در مقابل سیاست زده شدن حقوق بشر توسط کشورهای غربی مقاومت نمایند؟ در این گزارش تلاش می شود با هدف تنویر افکار عمومی جهانی و روشنگری برای نهادها و ترتیبات حقوق بشری و دولت‌های مستقل، جزئیاتی از جرائم ارتكابی جمشید شارمهد ارائه شود.

۱. جمشید شارمهد، طراح و مجری عملیات های تروریستی در ایران

جمشید شارمهد از سال ۱۳۸۵ سرکردگی گروهک تروریستی تندر را برعهده گرفت. این گروهک تروریستی که به وسیله تعدادی از عناصر سلطنت طلب و با هدف تئوریزه کردن تروریسم ضد دینی در سال ۱۳۸۲ ایجاد شده بود، پس از انتخاب شارمهد، رویکرد عملیاتی تری به خود گرفت و به اقدامات تروریستی در اماکن مذهبی، اقتصادی و حساس در خاک ایران روی آورد. شارمهد، تلاش کرد ساختار تشکیلاتی پیچیده تری برای گروه تندر ایجاد نماید. به همین دلیل، شاخه های ۴ و ۵ نفره ترور در شهرهای ایران ایجاد کرد که تحت عنوان انجمن تهران، انجمن شیراز و غیره شناخته می شدند و مستقیماً با جمشید شارمهد در ارتباط بودند.

اوج اقدامات تروریستی این گروهک، طراحی و اجرای عملیات در حسینیه شهدای شیراز در ۱۲ آوریل سال ۲۰۰۸ بود که به شهادت ۱۴ نفر و مجروحیت ۲۱۵ نفر دیگر منجر گردید. شارمهد بی توجه به ابعاد گسترده این فاجعه و با وجود ابراز انزجار عمومی شهروندان از این جنایت، تلاش کرد با تئوریزه کردن لزوم تداوم حملات مسلحانه، گروهک را به لحاظ عملیاتی ویژه نشان دهد و انگیزه انجام عملیات های جدید را برای آن ایجاد نماید. وی پس از این عملیات تروریستی، در مصاحبه ی تلویزیونی با رادیو تندر مستقر در لس آنجلس آمریکا به صراحت تاکید کرد «هیچوقت نقش خود را در انفجار شیراز تکذیب نکرده است». این مصاحبه در سایت گروهک به آدرس tondar.org بارگذاری شده بود. ضمناً گروهک تندر در بیانیه های متعدد منتشر شده در بخش خبری سایت اینترنتی این گروه به تاریخ ۲۰۰۸/۵/۸ و ۲۰۰۸/۴/۱۲، ۲۰۰۸/۴/۱۷ و ۱۳۸۷/۱/۲۵ رادیو تندر و دیگر بیانیه های منتشر شده در سایت اینترنتی به تاریخ های ۱۳۸۷/۲/۱۹ و ۲۰۰۸/۶/۲، مسئولیت انفجار حسینیه شهدا در شهر شیراز را به عهده گرفت. شایان توجه است حتی زمانی که مشخص شد در این عملیات تروریستی دو کودک خردسال و چند مادر بیگناه به شهادت رسیده اند، جمشید شارمهد نه تنها از پذیرش مسئولیت حمله عقب نشینی نکرد، بلکه با رویکردی تهاجمی در مصاحبه تصویری با شبکه تلویزیونی رادیو تندر در مورخ ۲۰۱۰/۱/۱۲ سعی در مشروع جلوه دادن این اقدام تروریستی نمود. وی اظهار داشت: «این را به صراحت می گویم ما هیچ خجالتی نمی کشیم که بیگناه کشته بشود. این برای ما اصلاً اهمیت ندارد. انجمن پادشاهی وارد مرحله دوم خود شده و در این مرحله، تندر دست به اسلحه

می برد. از این پس، تدارکات برای جنگ مسلحانه صورت خواهد گرفت. بگذارید روشن تر از این بگوییم ما باید ترور کنیم. پس در پاسخ به اینکه آیا انجمن پادشاهی تروریستی است یا نه، بله ما ترور می کنیم و وحشت ایجاد می کنیم برای این رژیم.»

گروهک تروریستی تندر به دستور جمشید شارمهد در سال ۱۳۸۸، دست به عملیات تروریستی دیگری در حرم امام خمینی (ره)، بنیانگذار انقلاب اسلامی، زد. این اقدام تروریستی توسط یک عامل انتحاری صورت گرفت و فرد تروریست هنگام ورود به محل، مورد شناسایی نگهبانان مستقر قرار گرفته و این تروریست با عجله ضامن بمب را کشید و در صحنه انفجار کشته شد. در این اقدام، خوشبختانه خسارات جانی به کسی وارد نشد. بیانیه گروهک تروریستی تندر در پذیرش مسئولیت این اقدام، در سایت اینترنتی این گروهک در تاریخ ۲۰۰۹/۷/۲ درج شده است. همچنین، پس از راه افتادن اغتشاشات غیرقانونی در روزهای پس از انتخابات ۲۰۱۰، جمشید شارمهد در مصاحبه تلویزیونی ضمن رد اقدامات مدنی بر اساس مدل براندازی نرم، تاکید می کند که راه براندازی جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه است. او در این مصاحبه چنین گفته است: «بچه های من در همین چند روز دو نفر را در خیابان هفت تیر و خیابان زرتشت کشته اند». گروهک تروریستی تندر در بیانیه ای دیگر که در بخش خبری سایت اینترنتی www.tondar.org در تاریخ ۲۰۰۶/۸/۱۶ منتشر ساخته، صریحا و رسما انفجار سد سیوند در شهر شیراز را نیز برعهده گرفت. علاوه بر این، شارمهد طراحی عملیات های تروریستی متعدد دیگری را نیز پذیرفته است.



طرح هایی که اشراف اطلاعاتی نیروهای حافظ امنیت ایران، مانع از اجراء و عملیاتی شدن آن ها شده است:

- * آموزش هسته های داخلی جهت آلوده نمودن آب شرب تهران در سال ۸۸؛
- * بمب گذاری در حسینیه ارشاد و امامزاده علی اکبر ع (چیزدر) در تهران؛
- * طراحی عملیات برای انفجار در مسیر زوار حسینی در روز اربعین؛
- * طراحی ترور مرحوم منتظری در اوج التهابات سال ۸۸؛
- * طرح انفجار مخازن و خطوط انتقال نفت در بندر گناوه؛
- * انفجار خطوط انتقال نفت پالایشگاه بندر عباس؛
- * برنامه ریزی برای انفجار اماکن حساس و شناسایی عناصر در استان مازندران؛
- * قصد اقدام تروریستی و تخریبی در دادگستری شهرستان ایزده؛
- * انفجار حوزه بسیج امام حسن مجتبی (ع) در شیراز در سال ۹۳؛
- * طراحی برای ترور معتمدین نظام و روحانیون؛
- * انفجار در بازار شیراز؛
- * طراحی عملیات تروریستی، شیمیایی و میکروبی در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران؛
- * برنامه ریزی برای بمب گذاری در کنسولگری روسیه در رشت؛
- * برنامه ریزی برای بمب گذاری در حرم حضرت معصومه (س) و مجلس شورای اسلامی؛
- * قصد انفجار مسجد جامع شهر ورامین؛
- * طراحی انفجار در روز ۷ آبان در منطقه پاسارگاد؛
- * شناسایی چند پایگاه بسیج برای انفجار.



شارمهد در مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۳ در مصاحبه با یکی از شبکه های ماهواره ای فارسی زبان ضد ایرانی ضمن رد الگوی انقلاب مخملی در ایران، تمرکز اصلی گروهک را بر اقدامات تروریستی ارزیابی کرده و اقدامات نرم و تبلیغی را مکمل آن ارزیابی می کند: «شما بی شک سخنان سخنوران را شنیده اید که همیشه گفته اند این مبارزات باید بدون خشونت باشد. منظور مراکزی است که یکی از آنها مرکز سوروس است که برای ایران برنامه می نویسند. البته همه هم به غیر از ما (تندر) این روش ها را پذیرفته اند. این صحبت ها دروغ است، چون هیچ حکومتی با مقاومت مدنی از کار برکنار نشد، بلکه مبارزات خشن و پارتیزانی باعث سرنگونی آنها شده است. هیچ گونه مقاومت مدنی بدون پشتیبانی مسلحانه به نتیجه نرسیده است».

۲. حمایت سرویس های امنیتی و اطلاعاتی برخی کشورهای غربی از گروهک تروریستی تندر

تحقیقات به عمل آمده درخصوص منابع تامین مالی گروهک تروریستی تندر، نشان می دهد که این گروهک مورد حمایت برخی سرویس های امنیتی و اطلاعاتی غربی از جمله اف بی آی، سیا و موساد بوده است. البته، به منظور ظاهر سازی در سایت اینترنتی گروهک تروریستی تندر و شبکه رادیویی تندر، نحوه تامین منابع مالی این گروه، همیاری و واریز پول از طریق هواداران عنوان شده و در این راستا چندین حساب بانکی نیز اعلام گردیده است. با این حال، عوامل اصلی گروهک تروریستی تندر در خارج از ایران بویژه در آمریکا و انگلیس اقامت دارند و از آنجا اعضای تروریست گروهک را در ایران هدایت و رهبری می نمایند. در این میان، جمشید شارمهد سرکرده گروه تروریستی تندر نیز که پیش از دستگیری ساکن لس آنجلس آمریکا بود، در تاریخ ۲۰۱۰/۱/۷ در سایت و تلویزیون اینترنتی تندر بر حضور آزادانه در آمریکا تحت حمایت FBI تاکید می کند. این در حالی است که این فرد از سال ۱۳۸۷ شمسی (۲۰۰۸ میلادی) تا زمان دستگیری، توسط پلیس بین الملل «تحت پیگرد بین المللی (Red Wanted) قرار گرفته و کشورهای محل اقامت و تردد نامبرده همچون ایالات متحده آمریکا و آلمان موظف به دستگیری و استرداد متهم به پلیس جمهوری اسلامی ایران بوده اند. عدم رعایت الزامات قواعد استرداد مجرمین و عدم همکاری دولت های یاد شده در این رابطه و استمرار فعالیت های تروریستی جمشید شارمهد (به مثابه یک جرم با وصف بین-المللی که تمام دولتها موظف به مقابله و بازداشت مجرمین آن هستند)، به هیچ وجه قابل قبول نیست.

وی، در زمان حضور در آمریکا به صراحت به ارتباط با اف بی آی تاکید داشته است. در تحقیقات قانونی نیز در توضیح این ارتباط، نام سه افسر اف بی آی را ذکر کرده و از ارتباط نزدیک با آنها پرده برداشته است. بر اساس اقرار شارمهد، یک تیم سیاسی از اف بی آی با او در ارتباط بوده و درخصوص اهداف گروهک خود در ایران با آنها صحبت می کرده است و در سال ۲۰۱۵ نیز درباره جذب تیم های جاسوسی در ایران با این افراد صحبت داشته است. ضمناً، تمامی آی دی ها و پسوردهای گروهک در اختیار افسران اف بی آی قرار داشته و اف بی آی با اعزام تیم «فناوری اطلاعات»، تمام سیستم های رایانه ای او را ارتقا داده اند. محمد علی زمانی، عضو دیگر گروهک تروریستی تندر، نیز که به طور غیر قانونی از مرز جمهوری اسلامی ایران خارج و به عراق رفته بو، به صراحت اظهار داشت که صد هزار دلار از افسر اطلاعاتی سیا در پایگاه عنکاوه واقع در اربیل دریافت کرده است.

۳. پایبندی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به تضمین دادرسی عادلانه برای یک مجرم تروریستی

در تمامی مراحل رسیدگی قضایی به اتهامات جمشید شارمهد، یعنی از زمان صدور قرار بازداشت و انجام تحقیقات از متهم، پ و رسیدگی در دادگاه و صدور حکم، «حق دادرسی عادلانه» جمشید شارمهد در چارچوب قوانین و مقررات داخلی و همچنین هنجارهای بین المللی رعایت گردیده است. در این چارچوب، اصولی همچون «دسترسی متهم به دادگاه، رسیدگی عادلانه و منصفانه، رعایت اصل برائت، استقلال قضات، حق دسترسی به وکیل، تفهیم اتهامات، دسترسی متهم و وکیل وی به ادله و مدارک موجود در پرونده و ...» مورد توجه و رعایت ضابطین و مقامات قضایی بوده است. تمامی مراحل تعقیب و بازداشت متهم از ابتدا با صدور دستور مقام قضایی صاحب صلاحیت و مستقل و بر اساس مستندات و ادله توجیهی متقن انجام گرفته است. مرحله تحقیقات و بازجویی از او نیز تحت نظارت مستمر مقام قضایی و در چارچوب مقررات الزام آور داخلی و همسو با هنجارهای بین المللی دادرسی عادلانه دنبال شده است. دسترسی به وکیل دادگستری به عنوان یکی از مهمترین حقوق متهم مندرج در قوانین داخلی و نیز یکی از هنجارهای بین المللی مربوط به حق دادرسی عادلانه از همان آغاز روند رسیدگی قضایی (مرحله تحقیقات و بازجویی) به پرونده متهم مورد توجه بوده است. در این چارچوب، با تأیید و موافقت وی، وکیلی با تجربه به صورت تسخیری در اختیار متهم

قرار گرفته است. وکیل مذکور علاوه بر ۷ نوبت ملاقات که پیش از جلسات دادگاه انجام یافته، بیش از چهار جلسه نیز به صورت خصوصی با متهم ملاقات نموده است. وکیل متهم با رعایت مقررات موجود، پرونده اتهامی آقای شارمهد را مطالعه کرده و در تمام جلسات دادگاه شرکت و از متهم دفاع متناسب نموده است. متهم در طول مدت بازداشت به صورت منظم و بالغ بر ۲۰ نوبت با اعضاء خانواده خود (همسر، فرزندان) به صورت تلفنی ارتباط برقرار نموده است. ضابطین از همان ابتدای دستگیری شارمهد پ تمهیدات ویژه ای برای مراقبت از سلامتی وی در پیش گرفتند. در این راستا، پزشک عمومی به صورت روزانه و پزشک متخصص به صورت هفتگی معاینات لازم را از وی به عمل آورده و به ویژه داروهای خاص و مورد نیاز او تأمین و توسط متهم مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر این، متخصصین دیگری چون دندانپزشک نیز به صورت دوره-ای شارمهد را معاینه نموده اند. در یک نوبت نیز داروهای خاصی که از سوی نمایندگی دولت آلمان تهیه شده بود، به بیمار تحویل و مورد استفاده او قرار گرفت. سلامتی متهم و عدم بروز مشکلی خاص یا گسترش بیماریهای زمینه-ای او در طول بیش از دو سال گذشته، خود شاهی بر روند مطلوب ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به شارمهد بوده است. امکانات ویژه ای از جمله کتاب های مورد علاقه، تلویزیون، امکانات ورزشی مانند تردمیل و ... نیز برای او در محل زندان فراهم بوده است. مجدداً تأکید می شود تمامی مراحل تعقیب، دستگیری، تحقیقات، رسیدگی و صدور رای برای جمشید شارمهد با رعایت دقیق قوانین و مقررات داخلی و توجه به حفظ حقوق وی و با نظارت و دستور مقام قضایی صاحب صلاحیت انجام گرفته است.

۴. واکنش کشورهای مدعی حقوق بشر به صدور حکم مجازات تروریست جمشید شارمهد

با اثبات جرائم جمشید شارمهد در دادگاه و صدور حکم بدوی مجازات برای او پس از طی تشریفات قانونی و دادرسی عادلانه، برخی مدعیان حقوق بشر از جمله آلمان و آمریکا آشکارا به حمایت از او پرداختند و تلاش کردند با راه اندازی یک هیاهوی رسانه ای و با استناد به اینکه شارمهد تابعیت مضاعف و اقامت این کشورها را دارا است، جنایات تروریستی این مجرم را مخفی نمایند. این واکنش به وضوح نشان می دهد که تا چه میزان حقوق بشر در عصر کنونی قربانی سیاسی کاری این دولت ها شده است. دولت های غربی از یک سو بی تفاوت به خون به

ناحق ریخته شده مردان و زنان و کودکان ایرانی به واسطه اقدامات تروریستی گروهک تندر از جمشید شارمهد، سرکرده این گروهک، حمایت همه جانبه می کنند و رسانه های وابسته به خود را برای ارائه روایت های دروغین پیرامون پرونده شارمهد بسیج می کنند و از دیگر سو، خود را مدافع حقوق مردم ایران معرفی می کنند و خواستار تشکیل کمیته به اصطلاح حقیقت یاب درخصوص ایران می شوند؛ در حالی که جنایات جمشید شارمهد و گروهک تروریستی تندر در زمره جدی ترین جرائم قرار گرفته و به موجب کنوانسیون-ها و اسناد الزام-آور بین-المللی در زمینه مقابله با تروریسم، به روشنی مشمول عنوان و مصادیق موارد تروریستی بوده و خود ناقض اصول متعدد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله ماده ۳ اعلامیه و همچنین ماده ۶ میثاق مبنی بر حق حیات است.

**Media & Propaganda Hype of soi-disant
Human Rights Champions
for Terrorism Laundering**



**The Office of Deputy Head of Judiciary for
International Affairs & The High Council for
Human Rights**

March 2023

In The Name of God

**Media & Propaganda Hype
of soi-disant Human Rights
Champions for Terrorism
Laundering**

March 2023

**The Office of Deputy Head of Judiciary for International Affairs
& The High Council for Human Rights**

Clarifying Judicial Case Opened Against Jamshid Sharmahd: Ringleader of Tondar Terrorist Group

Acting as the ringleader of the Tondar terrorist group, which has carried out several and planned 27 terrorist operations in the Islamic Republic of Iran, and victimized a number of innocent people – including women and children – Jamshid Sharmahd has been sentenced to the death penalty following a fair trial and on the strength of the law. The verdict pronounced thereagainst is not final and can be appealed in the Supreme Court. Following the issuance of the death sentence for the aforesaid terrorist, the so-called human rights claimants launched a media feeding

frenzy in line with their usual procedure to change the place of the criminal with the victim, thereby launching a new human rights campaign against the Islamic Republic of Iran. The German government's role in this media charade is more than that of other European countries.

Notwithstanding the fact that the Islamic Republic of Iran does not recognize dual citizenship, Germany has cited Sharmahd's dual German citizenship, challenged the decision of a competent and legal court, and requested the nullification of the punishment meted out thereto. The German foreign minister has also summoned the Iranian Chargé d'Affaires and, in an entirely politically-motivated move and a flagrant violation of diplomatic rules and regulations, declared two Berlin-stationed Iranian diplomats *persona non grata*.

Now, the questions posed by the public are: What does the support of Germany and certain human rights claimants mean for a terrorist criminal whose crimes have been proven in a competent tribunal? Isn't it against international ideals regarding the necessity of mobilizing all countries to fight against the sinister phenomenon of terrorism? Isn't it that such a decision can only be described as a move to sacrifice human rights for merely political purposes and objectives? Aren't international human rights institutions and mechanisms responsible for standing against such a dangerous practice? Is the terrorism laundering project initiated by so-called human rights champions with such an unjustified reason that the terrorist criminal "has dual citizenship", **NOT** in conflict with human rights ideals, including the need to guarantee the right to life and human dignity, the equality of people before the law, and the need to fight against terrorism? Wasn't it the duty of independent governments to resist the politicization of human rights by Western countries?

Aimed at enlightening global public opinion, human rights institutions, special procedures mandate holders, and independent governments, the present report touches upon the details of the crimes committed by the foregoing person.

1. Jamshid Sharmahd: Orchestrator & Executor of Terrorist Operations in Iran

The abovenamed has been the ringleader of the Tondar terrorist group since 2006. The terrorist group, created in 2003 by several monarchist elements with the aim of theorizing anti-religious terrorism, took a more operational approach and carried out terrorist acts in religious, economic, and sensitive places in

Iran after the foregoing person took the helm, after which he sought to create a more complex organizational structure for the terrorist group. Therefore, the said convict created branches of 4 and 5 terrorists in different cities of Iran, known as the Tehran and Shiraz assemblies, all of which were directly linked to and connected with him. The peak of the terrorist activities was orchestrating and implementing a terrorist operation in the Martyrs Hosseinieh of Shiraz on 12 April 2008, which left 14



people martyred and injured 215 others. Ignoring the expansive dimensions of this disaster and despite the general disgust about such heinous crimes, Sharmahd tried to portray the terrorist group as a special operational wing by theorizing the need to continue armed attacks and galvanizing it into carrying out new rounds of terrorist operations. Following the Shiraz terrorist

Iran after the foregoing person took the helm, after which he sought to create a more complex organizational structure for the terrorist group. Therefore, the said convict created branches of 4 and 5 terrorists in different cities of Iran, known as the Tehran and Shiraz assemblies, all of which were directly linked to and connected with him. The peak of the terrorist activities



was orchestrating and implementing a terrorist operation in the Martyrs Hosseinieh of Shiraz on 12 April 2008, which left 14 people martyred and injured 215 others. Ignoring the expansive dimensions of this disaster and despite the general disgust about such heinous crimes, Sharmahd tried to portray the terrorist group as a special operational wing by theorizing the need to continue armed attacks and galvanizing it into carrying out new rounds of terrorist operations. Following the Shiraz terrorist operation, in a television interview with Tondar Radio based in Los Angeles, the abovenamed clearly emphasized that he “never denied his role in the Shiraz explosion”. The interview

was uploaded on the terrorist group's website, to which one can access via www.tondar.org.

In addition, the Tondar terrorist group has already claimed responsibility for the Hosseinieh Shiraz terrorist attack in numerous statements published on its website on 5 August 2008, 12 April 2008, 17 April 2008, and via Radio Tondar on 13 April 2008, as well as others statements posted by the aforementioned website on 8 May 2008, and 2 June 2008.

Even when it became clear that two young children and several innocent mothers were martyred during this terrorist operation, not only did Jamshid Sharmahd refrain from backing down from accepting responsibility for the attack, but tried to legitimize it with an aggressive approach. In a video interview with Radio Tondar on 12 January 2010, he stated: "I say this clearly: we are not ashamed that an innocent person is killed. It doesn't bother us at all. The [so-called] Kingdom Assembly [of Iran] has entered its second phase, and the Tondar takes up arms in this phase. From now on, [future] preparations will be made for the armed war. Let me be more precise: we must assassinate! So in response to whether the [so-called] Kingdom Assembly [of Iran] is [a] terrorist [group] or not, [I have to say:] yes, [it is.]. We terrorize and create terror for this regime."

In 2008, under the orders of Jamshid Sharmahd, the Tondar terrorist group launched another terrorist operation against the Holy Shrine of Imam Khomeini, the founder of the Islamic Revolution. A suicide bomber carried out the terrorist operation. When the terrorist entered the place, he was identified by the security guards. However, he hurriedly pulled the bomb's trigger and was killed at the explosion scene. Fortunately, no one was injured. The statement of the Tondar terrorist group claiming

responsibility for this terrorist attack was posted on its website on 2 July 2009.

Furthermore, after the illegal riots started following the 2009 presidential election, in a televised speech, Sharmahd rejected civil measures which are based on the soft subversion model, emphasizing that the ouster of the Islamic Republic of Iran can only be materialized through armed action. During the interview, he said: “My children have killed two people in Haft-e Tir and Zartosht streets in the past few days.” In another statement published on the terrorist group’s website on 16 August 2006, the notorious group explicitly and officially claimed responsibility for the explosion at the Sivand Dam in Shiraz. In addition, Sharmahd has also accepted responsibility for orchestrating several other terrorist operations.

The intelligence dominance of Iran’s security forces has foiled the implementation of the following plots:

- Providing training for internal cores to contaminate Tehran’s drinking water in 2009;
- Planning to set off a bomb at the Hosseinieh Ershad and Imamzadeh Ali Akbar (located in the Chizar district) in Tehran;
- Orchestrating an operation for an explosion against those en route to the holy city of Karbala to mourn the martyrdom of Imam Hossein on the day of Arbaeen;
- Orchestrating the assassination of the late Montazeri at the height of the 2009 protests;
- Exploding tanks and oil transmission lines in the Genaveh port;
- Blowing up oil transmission lines of the Bandar Abbas Refinery;

- Planning to blow up sensitive places and identify security forces in Mazandaran province;
- Intending to carry out terrorist attacks in the Izeh Department of Justice Administration;
- Blowing up Imam Hassan Mojtaba Basij headquarters in Shiraz in 2014;
- Plotting to assassinate the trustees of the Islamic Republic of Iran and clerics;
- Detonating the Shiraz Bazaar;
- Orchestrating terrorist, chemical, and microbial operations at the Tehran International Book Fair;
- Planning to bomb the Russian Consulate General in Rasht;
- Planning to bomb the shrine of Hazrat Masoumeh (PBUH) and the Islamic Consultative Assembly;
- Intending to blow up the Jameh Mosque of Varamin;
- Orchestrating the 7 November blast in the Pasargad region; and
- Identifying several Basij headquarters for detonation.

On 3 March 2013, in an interview with one of the anti-Iranian Persian-language satellite channels, while rejecting the idea of the Velvet Revolution in Iran, Sharmahd revealed that the main focus of the terrorist group is to conduct terrorist actions, adding that soft and propaganda measures are complementary to the *modus operandi*: “You have undoubtedly heard the words of the orators who have always said that such struggles must be non-violent. I mean the centers, one of which is the Soros Center, that write programs for Iran. Of course, everyone except us has accepted these methods. These are lies because no government has ever been overthrown by civil resistance; instead, violent and partisan struggles caused them to be ousted. No civil resistance has ever succeeded without armed support.”

2. The support provided to the aforementioned terrorist group by the security and intelligence services of certain western countries, and the investigations conducted into the financing sources thereof, are emblematic of the fact that it is backed by specific western security and intelligence services, including the FBI, CIA, and Mossad. Of course, in order to deceive the public, the terrorist group's website and radio have stated that it is financed thanks to public synergy and donations made by the fans – it has also even provided several bank accounts to that end.

The main agents of the Tondar terrorist group reside outside the Islamic Republic of Iran, especially in the U.S. and UK, wherefrom they direct and command its' Iran-based members. In the meantime, on 7 January 2010 and in a statement published on the terrorist group's website and Internet TV, Jamshid Sharmahd, who had been residing in Los Angeles prior to his arrest, revealed that his free and unhindered presence in the U.S. was under the support of the FBI.

From 2008 to the time of Sharmahd's arrest, an INTERPOL Red Notice had been issued for the foregoing person. The convict's countries of residence and transit, such as the U.S. and Germany, were obliged to arrest and extradite him to the Islamic Republic of Iran. The failure to comply with the requirements of the extradition rules, the non-cooperation of the mentioned governments in this regard, and the continuation of Sharmahd's terrorist activities (as an international crime that all governments are responsible for confronting and arresting its perpetrators), are under no circumstances whatsoever acceptable.

He clearly emphasized his relationship with the FBI while in the United States. During the investigations, he unmasked and explained about his close relationship with the FBI and revealed

the names of three FBI agents. According to express confessions made by the aforesaid, a political team from the FBI has been in contact with him. He confessed to having talked to them about the terrorist group's goals in Iran. He also acknowledged that he had spoken with them about recruiting spy teams in Iran in 2015. In addition, all the IDs and passwords of the terrorist group are in the FBI agents' possession, and the American federal agency has upgraded all its computer systems by dispatching a team of IT experts. Mohammad Ali Zamani, another member of the Tondar terrorist group, who illegally crossed the Islamic Republic of Iran border and went to Iraq, clearly stated that he received 100,000 dollars from a CIA agent at the Ankawa base in Erbil.

3. Judiciary's Adherence to Ensure Fair Trial For a Terrorist Criminal

Jamshid Sharmahd's right to a fair trial has been respected within the framework of domestic laws and regulations, international norms, and in all stages of the judicial proceedings – that is, from the time of the issuance of the arrest warrant to investigations against the defendant and court proceedings. In this framework, principles including but not limited to the right of access to court, the right to a fair trial, the principle of presumption of innocence, the independence of judges, the right to counsel, arraignment as well as the access of the defendant and lawyer thereof to the evidence and documents in the case, have all been considered and respected by the bailiffs of the justice administration and the judicial authorities.

Since the very commencement, all the stages of prosecution and arrest have been carried out following the issuance of the judicial

order by the competent and independent judicial authority and based upon the corroborate evidence and convincing proofs. The investigation stage has also been conducted under the continuous supervision of the judicial authority and within the framework of binding domestic regulations and in line with the international norms of a fair trial.

Access to a lawyer, as one of the most fundamental rights of the defendant enshrined in the domestic laws and also considered as one of the international norms concerning the right to a fair trial, has been considered since the very commencement of the judicial proceedings. In this framework, given the defendant's inability to choose a private defense attorney and following his consent, an experienced lawyer has been provided thereto by the Court. In addition to the seven rounds of meetings that occurred before the hearing sessions, the court-appointed lawyer has also met the defendant privately on at least four occasions. The attorney-at-law has studied the judicial case in compliance with the existing regulations, participated in all the court sessions, and represented his client with a spirited defense.

During the detention period, the defendant has communicated regularly and over 20 times with his family members (wife, daughter, and son) by phone. Having been aware of the defendant's ailment from the very outset of the arrest, the bailiffs of the justice administration implemented special measures for him when in custody.

In this regard, the general practitioner and a specialist perform the necessary examinations on the foregoing person on a daily and weekly basis, respectively. The special pharmaceuticals needed by the defendant have even been provided thereto. In addition, other specialists, such as dentists and psychologists,

also periodically examine the defendant. On one occasion, special medicines prepared by the German Embassy were delivered to and used by the abovenamed. The defendant's health and the absence of any special problems or the spread of underlying diseases during the past two years are emblematic of the congenial procedures of rendering health and treatment services thereto. Special facilities such as favorite books, TV, and sports facilities such as a treadmill have been provided thereto in prison. It is once again emphasized that all the stages of prosecution, arrest, investigation, and examination of accusations leveled against the foregoing person have been carried out in strict compliance with the domestic laws and regulations, and under the supervision and supervision order of the competent judicial authority.



4. Reaction of Countries Claiming to Defend Human Rights About Sentencing a Terrorist

After Jamshid Sharmahd was proven guilty in Court, and following the issuance of an initial sentence for crimes he has committed – which was pronounced thereagainst after going through legal procedures and a fair trial – certain so-called human rights champions, including Germany and the United States, openly supported him and sought to kick-start a media feeding frenzy by insisting that the foregoing person has dual citizenship and a resident in the said countries – and all that, in order to whitewash the terrorist crimes committed by the said criminal. Such a reaction clearly proves to what extent these Western governments have victimized human rights through politicization.

Indifferent towards the unjustly shed blood of Iranian men, women, and children due to the terrorist attacks carried out by the notorious group, Western governments – on the one hand – provide unwavering support to Jamshid Sharmahd, the ringleader of the said terrorist group, and mobilize their affiliated media to present a web of lies about his judicial case, and on the other, they portray themselves as defenders of the rights of the Iranian people and call for the formation of a so-called truth-seeking committee for the Islamic Republic of Iran. This is while on the strength of binding conventions and international instruments, all the activities and actions conducted by the abovenamed and the said terrorist group clearly constitute examples of acts of terrorism, and are in violation of several principles of the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights, including Article 3 of the aforesaid Declaration and Article 6 of the said Covenant concerning the right to life.